

## فهرست مطالب

فهرست مطالب .....	۷
پیشگفتار .....	۱۷

### بخش اول: کلیات و اطلاعات عمومی حقوقی ..... ۲۳

فصل اول- کلیات حقوق .....	۲۴
گفتار اول- تعریف حقوق .....	۲۶
گفتار دوم- تقسیمات حقوق .....	۲۷
گفتار سوم- نظام قضایی .....	۲۹
گفتار چهارم- بخش تخصصی قوه قضائیه .....	۳۲
مبحث اول - ساختار دادگستری .....	۳۵
قسمت یکم- نظام قضائی کیفری .....	۳۶
۱- دادسرا و وظیفه آن .....	۳۶
الف- معرفی دادسرا .....	۳۶
ب- وظیفه دادسرا .....	۳۸
۲- دادگاه کیفری .....	۳۹
قسمت دوم- نظام قضائی مدنی .....	۴۱
دادگاه‌های عمومی .....	۴۱
مبحث دوم- دادگاه تجدید نظر .....	۴۲
مبحث سوم- دیوان عالی کشور .....	۴۳
مبحث چهارم- دیوان عدالت اداری .....	۴۴

- فصل دوم - حقوق اساسی ..... ۴۶
- گفتار اول - عناوین کلی قانون اساسی ..... ۴۷
- گفتار دوم - بخشهای مهم قانون اساسی ..... ۴۸
- مبحث اول - حق کار ..... ۴۹
- مبحث دوم - حق مسکن ..... ۴۹
- مبحث سوم - حق دادخواهی ..... ۵۰
- مبحث چهارم - منع سوء استفاده از حق ..... ۵۰
- مبحث پنجم - قوه قضائیه ..... ۵۰
- فصل سوم - حقوق مدنی ..... ۵۲
- گفتار اول - کلیات ..... ۵۴
- مبحث اول - وضع و ابلاغ قانون ..... ۵۴
- مبحث دوم - قاعده مطلع فرض شده اشخاص از قانون ..... ۵۶
- مبحث سوم - قاعده حکومت قانون در زمان یا عطف به ماسبق نشده قوانین ..... ۵۷
- مبحث چهارم - قاعده حکومت قانون در مکان ..... ۵۸
- مبحث پنجم - حکومت برون مرزی قانون ایران در احوال شخصیه ..... ۵۹
- مبحث ششم - حکومت قانون خارجی در قلمرو ایران در احوال شخصیه ..... ۵۹
- مبحث هفتم - قاعده تبعیت اموال غیر منقول اتباع خارجه از قانون ایران ..... ۶۱
- مبحث هشتم - قاعده لازم الاجرا بودن مفاد عهدنامه‌های منعقد شده بین دولت ایران و دولت‌های دیگر ..... ۶۴
- مبحث نهم - قاعده اعتبار قراردادهای خصوصی نسبت به طرفین آن ..... ۶۴
- گفتار دوم - مال و مالکیت و اسباب مالکیت ..... ۶۶
- مبحث اول - تعریف مال ..... ۶۷
- مبحث دوم - تعریف مالکیت ..... ۶۸
- مبحث سوم - اسباب مالکیت ..... ۶۸
- ۱- احیاء اراضی موات و حیازت اشیاء مباحه ..... ۶۹
- الف - احیاء اراضی موات ..... ۶۹
- ب - حیازت مباحات ..... ۷۰

۷۰	۲- اخذ به شفعه
۷۲	۳- ارث
۷۳	گفتار سوم- عقود و تعهدات
۷۴	مبحث اول - عقد و ایقاع
۷۴	۱- عقد
۷۵	۲- ایقاع
۷۶	مبحث دوم - عقود معین
۷۶	مبحث سوم - عقد بیع
۸۰	مبحث چهارم - نقش کارشناسی در عقد بیع
۸۰	خيارات
۸۱	اول - خيار رؤیت و تخلف وصف
۸۱	موارد کارشناسی در خيار رؤیت و تخلف وصف
۸۲	دوم - خيار غبن
۸۳	کارشناسی در خيار غبن
۸۳	سوم - خيار عیب
۸۴	کارشناسی در خيار عیب
۸۶	چهارم - خيار تدلیس
۸۷	کارشناسی در تدلیس
۸۷	پنجم - خيار تبعض صفة
۸۸	کارشناسی در تبعض صفة
۸۸	مبحث پنجم - عقد اجاره
۹۰	۱- روابط اجاری مشمول قانون مدنی
۹۲	اول - کارشناسی در خصوص تلف عین مستأجره
۹۳	دوم - کارشناسی در خصوص تعمیرات مال مورد اجاره
۹۳	سوم - کارشناسی برای امکان انتفاع مستأجر
۹۴	چهارم - کارشناسی در خصوص تعدی و تفریط
۹۶	پنجم - کارشناسی در تعیین اجرت المثل

## قوانین و مقررات مورد نیاز در امور کارشناسی رسمی

- ششم- کارشناسی در خصوص معیوب بودن مورد اجاره ..... ۹۸
- ۲- اجاره‌های مشمول قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ ..... ۹۹
- تحمیل رابطه اجاری به موجر توسط قانون ..... ۱۰۰
- مواد اصلی قانون روابط موجر و مستأجر ..... ۱۰۰
- کارشناسی در قلمرو ماده ۱۴ ق. ر.م.م. .... ۱۰۳
- کارشناسی در قلمرو ماده ۱۵ ق. ر.م.م. .... ۱۰۴
- تعدیل اجاره بها ..... ۱۰۴
- کارشناسی در تعدیل اجاره بها ..... ۱۰۵
- حق کسب یا پیشه یا تجارت ..... ۱۰۶
- فرق سرقتی با حق کسب یا پیشه یا تجارت ..... ۱۰۹
- کارشناسی در حقوق تجاری ..... ۱۱۰
- تعمیرات اساسی ..... ۱۱۲
- گفتار چهارم- تفکیک و افراز ..... ۱۱۳
- الف- تعریف تفکیک ..... ۱۱۳
- ب- تعریف افراز ..... ۱۱۵
- ج- تفاوت‌های میان تفکیک و افراز ..... ۱۱۶
- گفتار پنجم- مسئولیت مدنی ..... ۱۱۶
- مبحث اول- اشتباه ..... ۱۱۹
- مبحث دوم- اداره فضولی مال غیر ..... ۱۲۰
- مبحث سوم- غصب ..... ۱۲۱
- ضمان غاصب، نسبت به مثل یا قیمت در صورت تلف: ..... ۱۲۳
- نقص و پدید آمدن عیب بر مال مغضوب: ..... ۱۲۳
- استرداد مثل یا قیمت آن به اعتبار زمان: ..... ۱۲۵
- دادن قیمت ..... ۱۲۵
- دادن بدل درحالتی که مال تلف می‌شود: ..... ۱۲۵
- بدل حیلوله و ماهیت آن ..... ۱۲۶
- موارد کارشناسی در غصب ..... ۱۳۰

۱۳۳..... مبحث چهارم - اتلاف

۱۳۵..... مبحث پنجم - تسبیب

**بخش دوم: آیین دادرسی مدنی، کارشناسی، قضاوت و داوری ..... ۱۳۹**

۱۴۰..... فصل اول - آیین دادرسی

۱۴۲..... گفتار اول - آیین دادرسی مدنی

۱۴۵..... گفتار دوم - عناوین آیین دادرسی مدنی

۱۴۵..... مبحث اول - کلیات

۱- لزوم طرح دعوا توسط اشخاص ذینفع..... ۱۴۶

۲- اولویت قانون در قضاوت..... ۱۴۶

۳- اجتناب از صدور احکام کلی..... ۱۴۷

۴- اجتناب از استماع دعاوی ناشی از عقود خلاف شرع و محلّ نظم عمومی..... ۱۴۷

اول- قراردادهای مغایر با نظم عمومی..... ۱۴۷

دوم: قراردادهای مغایر با اخلاق حسنه..... ۱۴۸

۵- منع رسیدگی نخستین در مرحله تجدید نظر..... ۱۴۹

۶- منع تغییر حکم قاضی یا جلوگیری از اجرای آن..... ۱۴۹

مبحث دوم - صلاحیت دادگاهها..... ۱۴۹

۱- صلاحیت ذاتی..... ۱۵۰

۲- صلاحیت نسبی..... ۱۵۰

مبحث سوم - قواعد صلاحیت..... ۱۵۱

۱- قاعده صلاحیت محل اقامت خوانده..... ۱۵۱

۲- قاعده صلاحیت دادگاه محل مال غیر منقول..... ۱۵۲

گفتار سوم - وکالت در دعاوی..... ۱۵۳

مبحث اول - ویژگی وکالت در دعاوی..... ۱۵۴

مبحث دوم - قلمرو وکالت..... ۱۵۴

مبحث سوم - وظیفه وکیل دادگستری..... ۱۵۵

- مبحث چهارم - تعهد وکیل دادگستری ..... ۱۵۵
- گفتار چهارم - دادرسی نخستین ..... ۱۵۶
- مبحث اول - دادخواست ..... ۱۵۷
- مبحث دوم - ابلاغ ..... ۱۵۹
- ۱- ابلاغ به شخص حقیقی ..... ۱۶۱
- الف- ابلاغ واقعی ..... ۱۶۱
- ابلاغ به کسان و بستگان ..... ۱۶۲
- عدم حضور مخاطب ..... ۱۶۲
- خودداری کسان و بستگان مخاطب از دریافت ..... ۱۶۳
- ابلاغ در خارج از کشور ..... ۱۶۳
- ابلاغ به شخصی که نشانی معلوم ندارد ..... ۱۶۴
- ۲- ابلاغ به شخص حقوقی ..... ۱۶۵
- الف- شخص حقوقی عمومی ..... ۱۶۵
- ب- شخص حقوقی خصوصی ..... ۱۶۵
- گفتار پنجم - اعتراض به احکام دادگاه ..... ۱۶۶
- مبحث اول - واخواهی ..... ۱۶۶
- مبحث دوم - تجدیدنظرخواهی ..... ۱۶۷
- گفتار ششم - ادله اثبات دعوی ..... ۱۶۹
- مبحث اول - اثبات دعوا ..... ۱۷۰
- مبحث دوم - ادله قانونی ..... ۱۷۱
- ۱- اقرار ..... ۱۷۲
- ۲- سند ..... ۱۷۳
- ۳- گواهی ..... ۱۷۴
- اول - استماع گواهی در دادگاه ..... ۱۷۶
- دوم - تحقیق محلی ..... ۱۷۶
- ۴- امارات ..... ۱۷۶
- اول - اماره قانونی ..... ۱۷۶

۱۷۷	دوم- اماره قضائی .....
۱۷۸	۵- سوگند .....
۱۷۹	۶- معاینه محل .....
۱۸۰	فصل دوم- حقوق کارشناسی .....
۱۸۰	گفتار اول- کلیات .....
۱۸۲	گفتار دوم- قرار کارشناسی دادگاه .....
۱۸۳	گفتار سوم- وظایف کارشناس .....
۱۸۳	۱- اعلام جهت رد یا عذر موجه .....
۱۸۴	۲- قبول کارشناسی .....
۱۸۵	۳- اظهارنظر در وقت مقرر .....
۱۸۷	۴- حضور در مرجع قضائی برای اداء توضیح .....
۱۸۸	۵- حفظ اسرار .....
۱۸۸	۶- رعایت ادب و نزاکت در نوشتار، گفتار و رفتار .....
۱۸۹	گفتار چهارم- شرایط نظر کارشناس .....
۱۸۹	۱- صریح و روشن بودن .....
۱۹۰	۲- قاطع و مُتَجَز بودن .....
۱۹۱	۳- موجه و مستدل بودن کارشناسی .....
۱۹۱	۴- مطابقت با قرار ارجاع .....
۱۹۲	۵- مطابقت با اوضاع معلوم .....
۱۹۳	۶- سایر شرایط .....
۱۹۳	شرایط کارشناس و موضوع کارشناسی .....
۱۹۴	ارزیابی نظر کارشناسی .....
۱۹۴	۱- اختیار قاضی در ارزیابی .....
۱۹۵	۲- اعتبار نظر کارشناس، وضع ماده ۲۵۶ ق.آ.د.م. ....
۱۹۸	۳- لزوم اخذ توضیح یا تکمیل کارشناسی .....
۱۹۹	۴- رد نظر کارشناسی و ارجاع به کارشناسان دیگر .....
۲۰۰	نظر کارشناسان متعدد .....

## قوانین و مقررات مورد نیاز در امور کارشناسی رسمی

- نظر کارشناس مرضی الطرفین ..... ۲۰۲
- استناد به نظر کارشناس در پرونده دیگر ..... ۲۰۵
- نتیجه ..... ۲۰۶
- گفتار پنجم - مشکلات عملی و چاره آن ..... ۲۰۷
- گفتار ششم - مجازات‌های کیفری و انتظامی ..... ۲۰۹
- ۱- مجازات‌های انتظامی ..... ۲۰۹
- الف - عدم حضور در مراجع صالحه در وقت مقرر ..... ۲۱۰
- ب - توسل به معاذیری که خلاف بودن آنها بعداً ثابت شود ..... ۲۱۰
- ج - مسامحه و سهل‌انگاری در اظهار نظر، هر چند مؤثر در تصمیمات مراجع صلاحیت دار باشد یا نباشد ..... ۲۱۱
- د - تسلیم اسناد و مدارک به اشخاصی که قانوناً حق دریافت آن را ندارند و یا امتناع از تسلیم آنها به اشخاصی که حق دریافت دارند ..... ۲۱۲
- ه - سوء رفتار و اعمال خلاف شئونات شغلی ..... ۲۱۲
- و - نقض قوانین و مقررات در نظر کارشناسی ..... ۲۱۳
- ز - انجام کارشناسی و اظهار نظر با وجود جهات رد قانونی ..... ۲۱۳
- ح - انجام کارشناسی و اظهار نظر در اموری که خارج از صلاحیت کارشناس است ..... ۲۱۴
- ط - انجام کارشناسی و اظهار نظر برخلاف واقع و تبانی ..... ۲۱۵
- ی - انجام کارشناسی و اظهار نظر با پروانه‌ای که اعتبار آن منقضی شده باشد ..... ۲۱۶
- ک - افشاء اسرار و اسناد محرمانه ..... ۲۱۶
- ل - اخذ وجه یا مال یا قبول خدمت مازاد بر تعرفه دستمزد و هزینه مقرر در قوانین یا دستورات مراجع صلاحیت دار ..... ۲۱۷
- م - انجام کارشناسی و اظهار نظر در زمان تعلیق، محرومیت از حقوق اجتماعی و یا اثبات فقد شرایط موضوع ماده ۱۵ این قانون ..... ۲۱۹
- ۲- ضمانت اجرای مجازات‌های کیفری ..... ۲۲۰
- الف - گزارش خلاف واقع ..... ۲۲۰



۲۲۲	ب- تغییر در نمونه آزمایشگاهی
۲۲۲	ج- افشاء اطلاعات طبقه‌بندی شده
۲۲۴	گفتار هفتم- جبران خدمات کارشناس رسمی
۲۲۴	۱- دریافت حق الزحمه
۲۲۴	۲- دریافت هزینه‌های کارشناسی
۲۲۵	فصل سوم- داوری
۲۲۶	گفتار اول- کلیات
۲۲۷	مبحث اول- سازش
۲۳۰	مبحث دوم- داوری
۲۳۳	گفتار دوم- سابقه تاریخی داوری
۲۳۶	گفتار سوم- علل رجوع به داوری
۲۳۷	۱- سرعت در رسیدگی
۲۳۸	۲- اعتماد
۲۳۸	۳- حفظ رابطه حسنه
۲۳۸	۴- حفظ اسرار
۲۳۹	۵- اقتضای طبع دعوا
۲۴۰	۶- صرفه جویی
۲۴۰	۷- وحدت قاضی
۲۴۱	گفتار چهارم- مشخصات داوری
۲۴۱	مبحث اول- داوری و کارشناسی
۲۴۳	مبحث دوم- داوری و سازش
۲۴۴	مبحث سوم- داوری و گواهی
۲۴۴	گفتار پنجم- فرق داوری با قضاوت دولتی
۲۴۶	گفتار ششم- قرارداد داوری
۲۴۷	مبحث اول- تعریف قرارداد داوری
۲۵۰	مبحث دوم- طرفین قرارداد داوری
۲۵۳	۱- طرفین قرارداد داوری مطلق

۲۵۶	۲- طرفین قرارداد داوری مقید .....
۲۵۷	گفتار هفتم- انواع قرارداد داوری .....
۲۵۷	مبحث اول- قرارداد مقید و اشکال آن .....
۲۵۹	اشکال دیگر قراردادهای مقید .....
۲۶۰	مبحث دوم- قرارداد داوری مطلق .....
۲۶۲	مبحث سوم- نوع دیگر قرار داد داوری .....
۲۶۴	مبحث چهارم- قرارداد متضمن تراضی در مورد نحوه انتخاب داور .....
۲۶۴	۱- قرارداد ارجاع اختلاف به دو داور .....
۲۶۵	۲- ارجاع اختلاف به بیش از دو داور .....
۲۶۵	۳- روش های تعیین سرداور .....
۲۶۹	گفتار هشتم- اجرای قرارداد داوری .....
۲۶۹	۱- لزوم رعایت محدودیت زمان .....
۲۶۹	۲- لزوم رعایت محدودیت موضوع .....
۲۷۰	۳- لزوم رعایت محدودیت قانونی .....
۲۷۰	۴- لزوم اظهارنظر براساس موازین حقوقی .....
۲۷۰	۵- لزوم استدلال .....
۲۷۰	۶- لزوم انشاء و ابلاغ رأی .....
۲۷۱	۷- اختتام مأموریت .....
۲۷۲	شکل گزارش کارشناسی .....
۲۷۵	فهرست منابع و ماخذ .....
۲۷۵	فهرست منابع و ماخذ ایرانی .....
۲۷۸	فهرست منابع و ماخذ خارجی .....

## پیشگفتار

ستایش سزاوار پروردگاری است که دانش او نامحدود و رحمتش بی‌پایان است. هدف از تدوین این مجموعه آشنا نمودن همکاران کارشناس رسمی دادگستری به خصوص رشته گسترده مهندسی راه و ساختمان، با اصول و مبانی حقوقی در امر کارشناسی رسمی و آگاهی بیشتر آنان به عناوین و قواعد مهم قانونی حقوقی و اصول و موازین رسیدگی به اختلافات و آشنایی لازم با اهداف و وظایف کارشناسان و اهمیت نقش آنان است. رشد سریع روزافزون دانش بشر و به موازات آن استفاده از منابع وسیع در اختیار او، آگاهی‌های بیشتر را طلب می‌نماید. کارشناسی رسمی<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین تخصص‌ها و یکی از ضرورت‌های دنیای امروز است. حضور آگاهانه و اطمینان‌بخش کارشناسان<sup>۲</sup> در زندگی امروز، مشهود و نظرات فنی و تخصصی آنان در بسیاری از امور راهگشا و تعیین‌کننده است. امروزه نقش کارشناسان در رفع اختلافات و حل و فصل دعاوی انکارناپذیر است، به‌طوری که هم‌اکنون علاوه بر الزام قانون در استفاده از تخصص کارشناسی در دادگاه‌ها، شوراهای حل اختلاف، مراجع داوری، مراجع رسمی، خود کارشناسان نیز مستقلاً به عنوان داور مرضی‌الطرفین، مورد توجه هستند و رشته‌ای تحت عنوان «کارشناسی - داوری»<sup>۳</sup> به موازات کارشناسی و داوری رشد یافته است. تاریخچه رجوع به کارشناس، سابقه‌ای طولانی در

---

<sup>۱</sup> - *Expertize or Expertise*

<sup>۲</sup> - *Expert*

<sup>۳</sup> - *Arbitrage - Expertise*

زندگی اجتماعی انسان دارد. اگرچه از یک سو در دوران معاصر، با پیشرفت علوم و فنون، تکنولوژی و تحولات سریع در زندگی اجتماعی و پیچیده شدن موضوعات، اهمیت کارشناسی چندین برابر شده است، از سوی دیگر نیز در رسیدگی‌های قضایی، کارشناسی رسمی نیز اهمیت فوق‌العاده یافته است، تا جایی که کمتر پرونده‌ای می‌توان یافت که در جریان رسیدگی به آن نیاز به ارجاع به کارشناس متخصص احساس نشود. از این رو شناخت درست مسائل مربوط به اعتبار نظر کارشناس در اجرای عدالت، نقش مؤثری دارد. وقتی اختلافی پیچیده و فنی در دادگاه صالح و نزد قاضی عادل مطرح می‌شود، قاضی هر اندازه که دانشمند، ماهر، مجرب و متخصص باشد، بدون کمک کارشناس یا متخصص،<sup>۱</sup> نمی‌تواند حتی با فرض کشف حقیقت امر، حکم صادر کند و ناچار است نظر کارشناس را جویا شود. هنگامی که مالکی علیه غاصب ملک خود، دعوای مطالبه اجرت‌المثل را مطرح می‌کند، اگرچه قاضی ممکن است ابتدا به این حقیقت برسد که تصرف خوانده در ملک مورد ادعا غاصبانه است، ولی آیا تنها با کشف این حقیقت می‌تواند حکم کامل را صادر کند و یا ناچار است برای تعیین میزان اجرت‌المثل به کارشناس رجوع کند؟ در این حال اگر به هر علتی کارشناسی مقدور نباشد، قاضی مجبور است پرونده را بدون نتیجه مخومه کند. از طرفی، به علت فنی بودن موضوعاتی که به کارشناس، به دلیل عدم آگاهی و آشنایی قاضی با آن موضوعات ارجاع می‌شود، عملاً غیر از اعتماد بر نظر او راهی وجود ندارد، سرانجام قاضی حکم را بر نظر کارشناس مبتنی می‌سازد. اگرچه برابر قانون، نظر کارشناس حجیت نداشته و جنبه طریقی دارد.

هنگامی که یک ساختمان فرو می‌ریزد و صدمات جانی و مالی به بار می‌آورد، حکم ابتدایی قانون این است که مسبب حادثه باید خسارات را جبران کند و احیاناً مجازات شود. ولی این حکم هیچ مصداق اجرایی ندارد، زیرا مسئله اصلی و مهم، یافتن مسبب حادثه است. سبب حادثه ممکن است عدم استحکام، نامرغوبی مصالح مصرفی، لغزش زمین، نشست خاک در اثر

---

<sup>۱</sup> - Specialist

نفوذ آب ناشی از خرابی لوله، عدم دقت در محاسبات، عدم پیش‌بینی صحیح بارهای استاتیک و دینامیک، خرابکاری، انباشت بیش از ظرفیت بار، عدم نظارت صحیح در اجرا، سوءاستفاده پیمانکار، عدم استفاده از مصالح متناسب و کافی، عدم مطالعه خاک و عوامل دیگر باشد. به نظر می‌رسد همین اندازه که ثابت شود ناظر ساختمان سهل‌انگاری کرده است کفایت نمی‌کند. پس در چنین وضعیتی کدام قاضی<sup>۱</sup> دانشمند باتجربه یا داور<sup>۲</sup> ماهر کار کشته می‌تواند بدون اتکاء به یک گزارش دقیق فنی و علمی، علل و مسبب حادثه را مشخص کند؟ چه کسی بهتر از یک کارشناس رسمی متخصص باتجربه و امین می‌تواند در این مسئله به کشف حقیقت و اجرای عدالت کمک کند؟

هنگامی که بین کارفرما و پیمانکاری در خصوص هزینه‌های اجرای پیمان‌هایی نظیر ساخت بیمارستان، بندر، ورزشگاه، پالایشگاه، راه و امثال آن اختلافی پدید می‌آید، در ابتدا براساس مفاد قرارداد منعقد و ضوابط، روش حل اختلاف روشن است ولی مسئله مهم تعیین میزان هزینه‌ها است؛ چه کسی بهتر از یک کارشناس رسمی، امین و باتجربه می‌تواند هزینه‌ها را برآورد کند؟

زندگی روزمره نیز به نوعی با کارشناسی سروکار دارد. حتی برخی از عادات و رفتارهای همیشگی انسان‌ها به اعتماد نظریه‌آفران باتجربه و خبرگان انجام می‌شود. هنگام خرید کالاها وجود مهر استاندارد ایجاد اطمینان می‌کند، وقتی که در موقع خرید گوشت به مهر سلامت بهداشت آن توجه می‌شود در واقع به نوعی از نظریه کارشناسی استفاده شده است.

از طرفی، گاهی این‌گونه تلقی می‌شود که نظر کارشناس تعیین‌کننده حکم و سرنوشت پرونده است. وانگهی پیشرفت‌های علمی، صنعتی و تخصصی، راه‌هایی برای کشف واقعیت در اختیار قرار داده که در گذشته وجود نداشته است. به عنوان مثال امروز برای کشف جرم و شناسایی مجرم از انگشت‌نگاری و آزمایش‌های پزشکی، ژنتیکی و بیولوژیکی استفاده می‌شود که اگر نتایج آن موجب علم قاضی نشود، دست کم سبب استقناع وجدان او می‌شود.

---

<sup>۱</sup>- Judge

<sup>۲</sup>- Arbiret; Arbitrator or Arbitre

به خاطر اهمیت و نقش اساسی نظرات کارشناسی، لازم است که توجه ویژه‌ای به قواعد و مقررات مربوط به کارشناسی برای اجرای صحیح آنها مبذول شود. بر این اساس در ارجاع امر به کارشناس و انتخاب او و ترتیب اثر دادن به نظراتش، لازم است که ضوابط قانونی رعایت شود؛ در غیر این صورت موجبات تضییع حقوق مردم به طور گسترده فراهم می‌شود. آنچه که بیان شد نمونه‌ای از کل و در حکم مشتکی از خروار است. برای روشن ساختن حساسیت و خطیر بودن وظیفه‌ی کارشناسان، تأکید به این نکته‌ی اساسی لازم است که در کارشناس باید دو صفت مهم به صورت توأمان موجود باشد. این دو صفت که همان صفات قاضی نیز هستند، عبارتند از:

- ۱- امانت‌داری یا بی‌طرفی: نظر کارشناس در اغلب مواقع سرنوشت دادرسی را تعیین می‌کند و قاضی یا داور به اتکاء نظریه‌ی او ممکن است حکم صادر کند. به همین علت باید کارشناس هم مانند قاضی، بی‌طرف<sup>۱</sup> باشد و جهاتی که برای رد امتناع قاضی در قانون مقرر شده، برای کارشناس هم وجود دارد.<sup>۲</sup> به همین دلیل باید کارشناس قانوناً همانند قاضی برای تأکید و التزام به بی‌طرفی سوگند یاد کند.<sup>۳</sup>
- ۲- تخصص: کاشف حقیقت و تعیین‌کننده‌ی سرنوشت دعوا است. کارشناس باید از سرآمدان و متخصصان در رشته‌ی خود باشد تا بتواند حقیقت را کشف کرده و نظری صائب، کامل و جامع بدهد.

#### <sup>۱</sup> - Impartial

<sup>۲</sup> - طبق ماده‌ی ۲۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی جهات رد کارشناس عیناً مشابه جهات رد قاضی است.

<sup>۳</sup> - ماده‌ی پنجم قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ مقرر می‌دارد: کارشناسان رسمی باید در مرکز و حضور کمیسیون مرکب از رئیس و مدعی‌العموم استیناف و رئیس اداره‌ی فنی و در خارج از مرکز در حضور کمیسیون مرکب از رئیس و مدعی‌العموم عالی‌ترین دادگاه محل سوگند یاد نمایند که در کلیه‌ی اموری که برای کارشناسی به آنان رجوع می‌شود، خدا را حاضر و ناظر دانسته به راستی و درستی عقیده‌ی خود را اظهار نمایند و نظریات خصوصی را در آن دخالت نداده، تمام نظر خود را نسبت به اموری که به ایشان مراجعه شده اظهار کرده و هیچ چیز را مکتوم ننموده و برخلاف واقع چیزی نگویند.

علاوه بر آن دو صفت، از آنجا که حضور در محل اختلافات، بخش عمده‌ای از وظیفه کارشناس است و در واقع کارشناس از یک طرف یار و یاور قاضی و از سوی دیگر ممکن است به عنوان داور مستقل، در موقعیتی قرار گیرد که در مورد اختلافات داوری کند، عقیده بر این است که کارشناس باید اطلاعات عمومی لازم را از مسائل مهم حقوقی داشته باشد تا بتواند در هنگام اظهارنظر، جهات مهم حقوقی و موازین قانون را در نظر بگیرد. به همین علت در این نوشتار سعی شده گزیده و خلاصه‌ای از دو مبحث بسیار مهم حقوق را که آیین دادرسی مدنی و حقوق مدنی است، توضیح داده شود.

با توجه به نوع مخاطب و گستردگی موضوع، در این کتاب فقط به مهم‌ترین مباحث حقوقی اشاره می‌شود و سعی بر این بوده که آن قسمت از بحث‌ها که ممکن است کارشناس در ضمن کار با آنها برخورد کند، انتخاب شود و از بیان مسائل کیفری و مسائل دیگری که در آنها کارشناسی مطرح نمی‌شود یا کمتر مطرح می‌شود، خودداری گردد. در بحث‌ها، به مناسبت، به مبانی اسلامی و احکام فقهی و برخی از قواعد و رویه‌ها نیز اشاره و حتی‌الامکان، معادل‌های انگلیسی و فرانسه اصطلاحات برای آشنایی بیشتر ذکر شده است.

مطالب این کتاب عاری از کمی و کیفی نیست و نباید در انتظار یک کتاب کامل و بی‌نقص بود، چرا که اولاً: معلوم نیست که آن کتاب کی تهیه می‌شود. ثانیاً: دلیلی بر کامل بودن و بی‌نقصی آن وجود ندارد. به همین علت با توکل به خداوند منان و با پوزش از کاستی‌هایی که حتماً مورد توجه صاحب‌نظران قرار خواهد گرفت و با تقاضای مساعدت از همه همکاران و صاحب‌نظران که با یادآوری آنها، سعی در جبران نقائص را در آینده فراهم می‌آورند؛ پیشاپیش از توجه همگان سپاسگزاری می‌شود.

در خاتمه، به ویژه از زحمات جناب مهندس علی‌اصغر شهابی در ویراستاری و تصحیح این مجموعه قدردانی می‌شود.





**بخش اوّل:**

---

**کلیات و اطلاعات عمومی حقوقی**

## مقدمه:

در این بخش در مورد کلیات، مقدمات، تعاریف و تقسیمات حقوق بحث می‌شود. معرفی اجمالی و کلی قوه قضائیه و دادگستری و بخش‌های مهم آنها از قبیل دادسراها، دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری از دیگر مطالب این بخش است. همچنین نگاهی به حقوق اساسی، عناوین کلی و بخش‌های مهم آن، نهادهای مهم وابسته به قوه قضائیه و مباحث مهمی از حقوق مدنی خواهیم انداخت.

## فصل اول - کلیات حقوق

برای توضیح کلیات حقوق، بیان مقدمه‌ای ضروری است. حقوق، طبیعت و ماهیت اجتماعی و پدیده‌ای اختصاصاً اجتماعی است. یک ضرب‌المثل حقوقی<sup>۱</sup> لاتین می‌گوید: «وقتی اجتماع نباشد قانون هم نیست.»<sup>۲</sup> حق و تکلیف که همانند دو روی یک سکه است، هنگامی ظاهر می‌شود که در مکانی، تعداد انسان‌ها از یک نفر بیشتر باشند. در تدریس اصول و مقدمات حقوق در فرانسه داستان رایبسون کروژوئه<sup>۳</sup> را مثال می‌زنند. او که حسب یک اتفاق ناچار شده بود در جزیره دورافتاده‌ای به تنهایی زندگی کند، حق و تکلیفی به مفهوم اجتماعی آنها نداشت و اگر انسان مؤمنی بود فقط تکلیف دینی خود را در مقابل خدا ادا می‌کرد. او نه می‌توانست ادعای حقی بکند و نه تکلیفی در مقابل دیگری داشت. به راستی چنین است، اگر انسان در خانه‌ای تنها باشد، نه مجبور به رعایت حقوق کسی است و نه می‌تواند از کسی توقع رعایت داشته باشد و صرفاً حق و تکلیف او با همسایگان قابل تصور است. ولی اگر همسایه‌ای و فرد دیگری نباشد، او فقط تابع قوانین طبیعت خواهد بود و قوانین اجتماعی در مورد او جاری نمی‌شود. اگر تکلیفی هم باشد فقط در مقابل خداوند خواهد بود. در زندگی عادی نیز مواردی پیش می‌آید که پدیده حقوق بسیار کم‌رنگ و رقیق و گاهی برعکس، بسیار پررنگ و جدی است. مثلاً وقتی که برای چند روزی استراحت به خارج از شهر و ییلاق می‌رویم و فاصله اجتماعی ایجاد می‌شود، بسیاری از پیوندهای حقوقی سست می‌شوند، ولی وقتی کار و زندگی وجود دارد، پیوندها محکم‌ترند و خیلی از موارد باید رعایت شوند. فلاسفه باور دارند که طبیعت اولیه

<sup>۱</sup>- Adage

<sup>۲</sup>- Ubi societas ibi jus

<sup>۳</sup>- قهرمان رماتی به همین نام اثر نویسنده فرانسوی دانیل دوفو.

انسان، حیوانی است. ویل دورانت می‌گوید: «اختلاف انسان با حیوان در مسئله تربیت است.»<sup>۱</sup> انسان به برکت استعداد خدادادی، در اثر تعلیم و تربیت به تدریج از طبیعت اولیه خود فاصله می‌گیرد و در مسیر انسانیت گام برمی‌دارد و پیش می‌رود. به همین مناسبت است که ولتر می‌گوید: «می‌خواهم بدانم انسان در مسیر رشد خود از حالت توحش به مدنیت چه گام‌هایی برداشته است.»<sup>۲</sup> در واقع معیار انسانیت انسان، مقدار راهی است که در مسیر انسان شدن پیموده و مقدار فاصله‌ای است که از عالم حیوانی گرفته. به هر میزان انسان از عالم حیوانی بیشتر فاصله گرفته باشد، به حد مطلوب انسانیت نزدیک‌تر شده است.

خداوند نیز در قرآن کریم فرموده است:<sup>۳</sup>

«محققاً بسیاری از جن و انس را برای جهنم آفریدیم، چه آنکه آنها را دل‌هایی است بی‌ادراک و معرفت، و دیده‌هایی بی‌نور و بصیرت، و گوش‌هایی ناشنوای حقیقت، آنها مانند چهارپایانند بلکه بسی گمراه‌ترند، آنها همان مردمی هستند که غافل‌اند.»

آموزه‌های پیامبران و بزرگان بشر و تمام کوشش‌هایی که برای هدایت انسان انجام می‌گیرد، در کمک به انسان برای پیمودن مسیر درست و هرچه بیشتر دور شدن از طبیعت اولیه‌اش خلاصه می‌شود. قانون و مقررات و قواعد حقوقی هم هماهنگ با آن هدف و در واقع برای تنظیم روابط انسان‌ها و جلوگیری از بازگشت آنان به طبیعت اولیه‌شان به وجود آمده است.

در نتیجه «حقوق» از عوارض و الزامات زندگی اجتماعی است. انسان در زندگی اجتماعی دارای حقوقی است که دیگران باید آن را رعایت کنند و در عین حال، در مقابل دیگران تکالیفی دارد که خود باید رعایت کند. بنابراین زندگی اجتماعی انسان آمیزه‌ای از حقوق و تکالیف است.

عادات و رفتارهای اجتماعی مردم بر اصول مختلفی استوار است. برخی از رفتارها مبتنی بر احکام عبادی است مانند: بسیاری از آداب دینی و مذهبی که انسان‌ها به مناسبت‌های

<sup>۱</sup> تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ع. پاشائی، امیرحسین آریان پور، ن. سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ ۱، ص ۷. نوشته مورخ آمریکایی ویل دورانت.

<sup>۲</sup> همان، ص ۱.

<sup>۳</sup> آیه ۱۷۹ سوره اعراف: وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافُونَ.